

همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲
 تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۶/۲۱

دکتر الهه کولایی*
 دکتر بهاره سازمند**



چکیده

از جنگ جهانی دوم به بعد، به واسطه گسترش تعداد کشورها در عرصه بین‌المللی و شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای، موضوع همگرایی منطقه‌ای از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل برخوردار شد؛ به گونه‌ای که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آثار زیادی در حوزه منطقه‌گرایی و مطالعات منطقه‌ای منتشر شد. از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ نظریه‌های همگرایی، دوباره مورد توجه قرار گرفت که شدت آن پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان نظام دوقطبی مضاعف بود. فعالیت سازمان همکاری اقتصادی (اکو) که در ژوئیه ۱۹۶۴ با عنوان سازمان همکاری عمران منطقه‌ای به وجود آمده بود و اعضای مؤسس آن ترکیه، ایران و پاکستان بودند در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد و در سال ۱۹۸۰ منحل شد. اما در سال ۱۹۸۵ هر سه کشور عضو ابراز تمایل کردند بار دیگر همکاری اقتصادی را با عنوانی تازه آغاز کنند و با نام جدید اکو فعالیت خود را آغاز کردند. با فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۱، زمینه گسترش اکو فراهم شد و تعداد اعضای آن به ده عضو رسید.

* استاد گروه مطالعات منطقه‌ای،
 دانشگاه تهران
 ekolaee@ut.ac.ir
 ** استادیار گروه روابط بین‌الملل
 دانشگاه تهران

از سوی دیگر همزمان، در سال‌های اولیه شکل‌گیری سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، در سال ۱۹۶۷ در جنوب شرق آسیا، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) ایجاد شد که دارای ده عضو بود و امروزه به عنوان یک سازمان منطقه‌ای موفق در زمینه همگرایی میان اعضاء شناخته شده است و از آن به عنوان یکی از الگوهای موفق همگرایی منطقه‌ای یاد می‌شود. سؤال اصلی مقاله آن است که چرا با این که آکو و آسه‌آن در شرایط نسبتاً مشابه، مانند ساختار نظام دوقطبی، حمایت از سوی ایالات متحده و مقابله با نفوذ کمونیسم در دو منطقه آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوب غربی شکل گرفتند؛ گستره همکاری میان کشورهای عضو آسه‌آن افزایش یافت و به همگرایی رسید و به عنوان نمود موفق همگرایی منطقه‌ای بعد از اتحادیه اروپایی مطرح شد، اما آکو همچنان در مرحله اولیه همکاری به سر می‌برد؟ فرضیه اصلی مقاله این است که اگرچه بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران و نت، شکل‌گیری این دو نهاد بر اساس «منطق پیامد» بود، اما به واسطه «منطق تناسب» سه دسته هنجارهای جامعه بین‌المللی (منطق لاک)، هنجارهای جامعه امنیتی (منطق کانتی) و هنجارهای منطقه‌ای (هنجارهای رویه‌ای) در میان کشورهای عضو آسه‌آن درونی شده و همین موضوع سبب شکل‌گیری هویت مشترک در میان اعضاء در قالب یک جامعه امنیتی شده است، در حالی که اعضای آکو این مراحل را طی نکرده‌اند و هویت مشترک در میان آنها ایجاد نشده است.

واژگان کلیدی: آسیا، همگرایی منطقه‌ای، همکاری منطقه‌ای، آکو، آسه‌آن، هنجار.

مقدمه

سازمان همکاری اقتصادی (اکو) شکل جدیدی از «سازمان عمران منطقه‌ای» (آر سی دی) است که در سال ۱۹۶۴ با همکاری ایران، ترکیه و پاکستان شکل گرفت. گرچه هدف ظاهری از تشکیل «آر سی دی» پیشبرد همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی در میان سه کشور یاد شده بود، ولی هدف اصلی آن همکاری‌های سیاسی و گاه امنیتی در شکل همکاری‌های اقتصادی بود، زیرا هر سه کشور در جبهه غرب قرار داشته و نسبت به گسترش نفوذ اتحاد شوروی و کمونیسم به طور کلی نگران بودند (کولایی و مودب، ۱۳۸۸: ۱). بنابراین پیوند اصلی سه کشور، موضع غیراعلام‌شده ضد شوروی بود.

از سوی دیگر در همان شرایط در منطقه آسیای جنوب شرقی اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) با چند سال تأخیر و در سال ۱۹۶۷ با عضویت کشورهای تایلند، مالزی، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین بر اساس «اعلامیه بانکوک» به طور دقیق با همان هدف ایجاد جبهه‌ای واحد در مقابل گسترش کمونیسم در منطقه تشکیل شد و مانند «آر سی دی» در قالب همکاری‌های اقتصادی و عمرانی به منظور توسعه اقتصادی تشکیل یافت. این دو سازمان هیچ‌گاه به هدف غایی خود اشاره نکرده و بارها اعلام می‌کردند هدف اصلی شان همکاری‌های اقتصادی دور از هرگونه موضع‌گیری و یا جبهه‌گیری در مقابل گسترش نفوذ کمونیسم است (شاهنده، ۱۳۷۷: ۹۲). حمایت استراتژیک و قدرتمند و نیز تشویق و تحریک قدرت‌های بزرگ را در پس شکل‌گیری این سازمان نباید نادیده گرفت. تلاش آمریکا در شکل‌گیری آسه‌آن، در راستای تلاش‌های نظامی این کشور در جنگ ویتنام بود. آن‌چه که این ادعا را تأیید می‌کند این واقعیت است که هیچ دولت کمونیستی در آسه‌آن عضویت نداشت. اولین جلسه سران این اتحادیه در سال ۱۹۷۶ تشکیل شد، یعنی همان زمانی که آمریکا از ویتنام خارج شد (شفیعی، ۱۳۸۵: ۴۷؛ سازمند، ۱۳۸۸: ۲۸).

سؤال نویسندگان این است که با این که شرایط شکل‌گیری هر دو سازمان اکو (با توجه به آر سی دی به عنوان پیشینه آن) و آسه‌آن در دو بخش از قاره پهناور آسیا (جنوب غربی و جنوب شرقی) مشابه بود و در حال حاضر نیز این دو سازمان به لحاظ تعداد اعضاء یکسان هستند، چرا آسه‌آن توانسته به همگرایی میان اعضاء برسد، در حالی که اکو در مراحل ابتدایی همکاری به سر می‌برد؟

فرضیه آنان این است که اگرچه شکل‌گیری هر دو سازمان بر اساس «منطق پیامد» بود، اما در ادامه اعضای آسه‌آن بر اساس «منطق تناسب هنجاری» توانستند هنجارهایی را که با «راه آسه‌آن» شناخته می‌شود، در میان خود درونی کنند و به هویت مشترک دست یابند، در حالی که اعضای اکو چنین زمینه هنجاری ندارند و همگرایی در قالب هویت مشترک میان اعضاء در میان آنها شکل نگرفته است. در ادامه در پیشینه تاریخی، شکل‌گیری هر دو سازمان ارائه می‌شود، سپس روند همگرایی در میان اعضای آسه‌آن بر اساس فرضیه مورد اشاره بررسی می‌شود. در ادامه موضوع تحقق نیافتن همگرایی میان اعضای اکو و در پایان تحلیل تطبیقی ارائه خواهد شد.

پیشینه تاریخی

مطالعه و بررسی فعالیت‌ها و پیشینه سازمان عمران منطقه‌ای نشان می‌دهد که این سازمان در بیش از دو دهه همکاری، در عمل نتوانست به سازمانی اقتصادی تبدیل شود و کشورهای عضو هیچ‌گاه نتوانستند با نهادهای همکاری‌های اقتصادی خود به گسترش همکاری‌های سیاسی و امنیتی مورد نظر دست یابند (شاهنده، ۱۳۷۷: ۹۲). بی‌میلی کشورهای عضو به چشم‌پوشی از منافع ویژه خود که لازمه توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است، به مانعی اساسی در این مسیر تبدیل شد. سه کشور بنیانگذار این سازمان از سطح نسبتاً متوازنی از توسعه اقتصادی برخوردار بودند، ولی رشد سریع درآمدهای ارزی ایران در پی افزایش بهای نفت، گرایش همبستگی در درون آر سی دی را کاهش داد (صفی‌نیا، ۱۳۵۶: ۶). به این ترتیب این سازمان در عمل بیشتر به مسائل تشریفاتی پرداخت و دیوانسالاری و تشریفات گسترده این سازمان، آن را از عملکرد واقعی تهی ساخت. از سوی دیگر نبود جنبه‌های تکمیل‌کنندگی در میان اقتصاد کشورهای عضو، مانعی اساسی در راه رشد همکاری‌های اقتصادی بود (خورشیدی، ۱۳۶۷: ۸۹). در این زمینه امکانات ضعیف سه کشور برای توسعه تجارت منطقه‌ای، نیز از مشکلاتی بود که باید در این سازمان مورد توجه قرار می‌گرفت (Islam, 1976: 286-287).

همچنین شناسایی نکردن مزیت‌های نسبی هریک از کشورهای عضو برای توسعه روابط تجاری از دیگر مسائل این سازمان به‌شمار می‌رفت. اجرای سیاست‌های حمایتی در کشورهای عضو و وابستگی ساختار تجارت آنها به بازار صنایع جهانی بر دشواری‌های این سازمان افزود. از این‌رو تأکید هریک از اعضاء، بر منافع ملی خود

در برابر منافع منطقه‌ای، سبب کندی و سستی در رشد این سازمان شد. گرایش ترکیه به اتحادیه اقتصادی اروپا، به این سازمان جنبه تشریفاتی داد. پیگیری این سیاست از سوی ترکیه و گرایش‌های برتری طلبانه منطقه‌ای ایران با حمایت ایالات متحده، از دیگر عوامل اساسی ضعف و ناکارآمدی سازمان آر سی دی بود. علاوه بر موارد یاد شده، در دوران فعالیت سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، هیچ‌گونه تلاش جدی برای دگرگونی الگوی تجارت در منطقه انجام نشد. تجارت اعضای این سازمان نیز همچنان به طور گسترده با خارج از منطقه صورت می‌گرفت (کولایی و مؤدب، ۱۳۸۸: ۷).

در مقابل در جنوب شرق آسیا، عامل رشد اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا «آسه‌آن» تحکیم روابط اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای با هدف بی اثر ساختن تهدید کمونیسیم در این منطقه بود. این تهدید از جانب ۵ عضو بنیانگذار آن‌چنان جدی تلقی می‌شد که اختلاف‌های ارضی، مسائل مرزی و تاریخی به‌طور موقت به تعلیق درآمدند. مسئله جالب در همکاری‌های بین اعضای آسه‌آن که بعدها به یک اصل و شیوه عمل تبدیل شد، چشم پوشی از حل و فصل مشکلات بر جای مانده از گذشته بود. تاکتیک کشورهای عضو در مقابل مشکلات دوجانبه و یا چندجانبه، مهار آنها بود که با تأکید بر اهداف عالی اتحادیه، یعنی انسجام و نپرداختن به مشکلات بین اعضا و پافشاری بر اهداف مشترک بزرگ منطقه‌ای انجام می‌گرفت. به عبارت دیگر همکاری منطقه‌ای به دلیل پیوندهای قومی به یک اولویت حیاتی در برابر مسائل ملی تبدیل شده بود. در حالی که چنین اجماعی در میان سه عضو آر سی دی با همه شعارهایی که داده می‌شد، وجود نداشت و مسائل ملی همچنان بر مسائل منطقه‌ای اولویت داشت. در حوزه آر سی دی، پاکستان با جمهوری خلق چین روابطی گسترده داشت. ایران سیاست تنش‌زدایی با اتحاد شوروی را دنبال می‌کرد و ترکیه نیز روابط خود با این کشور را بهبود بخشیده بود. در هر سه جنبش‌های کمونیستی نسبت به منطقه آسه‌آن ضعیف بود و نگرانی از آن به اندازه نگرانی موجود در آسه‌آن نبود (شاهنده، ۱۳۷۷: ۹۴).

پیمان آر سی دی با سقوط رژیم شاه در ایران در سال ۱۹۷۹ در عمل فلسفه وجودی خود را از دست داد و دچار انفعال شد. این مسئله با انسجام بیشتر آسه‌آن به سبب بحران کامبوج و موضع‌گیری یکسان اعضای آسه‌آن در برابر حمله ویتنام

به کامبوج و اشغال این کشور به وسیله نیروهای ویتنامی قابل مقایسه است. همزمان با سقوط رژیم شاه در ایران، نیروهای جمهوری خلق چین برای گوشمالی ویتنام به دلیل حمله به کامبوج و ساقط کردن رژیم خمرهای سرخ طرفدار چین، به آن کشور حمله کردند (شاهنده، ۱۳۷۷: ۹۷-۹۶). در همین هنگام درونی شدن هنجارهای آسه آن توسط اعضاء در مقابل نفوذ شوروی تحکیم می یابد.

با پایان جنگ سرد، عقب‌نشینی ویتنام از کامبوج، تسلط و برتری میانه‌روهای علاقه‌مند به اصلاح و نوسازی اقتصادی در ویتنام، این کشور آماده بود تا آسه آن و هنجارهای آن را جدی‌تر بگیرد. در سال ۱۹۹۰ ویتنام و لائوس تقاضای عضویت ناظر در آسه آن را مطرح کردند. در سال ۱۹۹۲، آنها پیمان همکاری و دوستی را امضاء کردند که نتیجه نشست سران آسه آن در بالی (اندونزی) بود. بدین ترتیب موافقت کردند از هنجارهای آسه آن و قواعد رفتاری آن برای روابط منطقه‌ای پیروی کنند. در ژوئیه ۱۹۹۵ ویتنام هم به‌عنوان هفتمین عضو آسه آن پذیرفته شد. بروئی هم در ژانویه ۱۹۸۴ اندکی پس از به‌دست آوردن استقلال به آسه آن پیوست. سپس در ژوئیه ۱۹۹۷ کشورهای لائوس و میانمار هم به این اتحادیه پیوستند. کامبوج در سال ۱۹۹۹ دهمین عضو این اتحادیه شد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۲۵).

در منطقه آسیای جنوب غربی نیز ائتلاف سه‌گانه ایران، ترکیه و پاکستان که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فلسفه وجودی خود را از دست داده بود، پس از گذشت شش سال در سال ۱۹۸۵ تحت نام جدید سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، با تلاش ایران در شرایط جنگ با عراق تجدید حیات یافت. ولی در عمل سه کشور همکار در اکو، از مشترکات قوی برخوردار نبودند که سبب شود همکاری فراتر از تشریفات رود. جمهوری اسلامی ایران با بنیان‌های مذهبی - ایدئولوژیک با ترکیه سکولار و غرب‌گرا و پاکستان تحت کنترل گروه‌های مخالف ایران (دست کم مخالف شیعه و گسترش آن) نمی‌توانست در یک جبهه قرار گیرد. بنابراین تا فروپاشی رسمی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ تشریفات براین سازمان حاکم بود (شاهنده، ۱۳۷۷: ۹۹؛ کولایی و مؤدب، ۱۳۸۸). بالاخره فروپاشی اتحاد شوروی سبب گسترش فعالیت‌های اکو شد زیرا شماری از کشورهای تازه‌استقلال‌یافته یعنی آذربایجان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان تمایل خود را برای پیوستن به این سازمان اعلام کردند، حتی افغانستان نیز برای عضویت در آن اعلام آمادگی

کرد (امیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۷؛ کولایی، ۱۳۷۹). اعضای بنیانگذار با این تقاضاها موافقت کرده و تعداد اعضای آکو هم مانند آسه‌آن به ده عضو افزایش یافت.

چارچوب نظری

در میان سازه‌انگاران و تا حدی نهادگرایان نئولیبرال در مورد مفاهیم هنجار، قاعده^۱، اصل^۲، رویه^۳ اتفاق نظر کامل وجود ندارد و خیلی از مواقع این مفاهیم به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. بر اساس تعریف پژوهشگران رهیافت سازه‌انگاری مانند ونت، جپرسن، کتز نستین، اونف، فینمور و سیکینک از هنجار، می‌توان گفت هنجار «استاندارد رفتار مناسب برای کنشگرانی دارای هویت مشترک است» یا هنجار انتظارهای جمعی درباره رفتار مناسب برای یک هویت مشخص است» (Finne- more and Sikkink, 1998: 891; Jepperson, Katzenstein and Wendt, 1996; Katzenstein, 1996: 5; Finnemore, 1996: 22 And Klotz, 1995). «جفری چکل» نیز در تعریف هنجار بیان می‌دارد «هنجار، برداشت مشترک در مورد رفتار مناسب از سوی کنشگرانی دارای هویت مشترک است» (Checkel, 1999: 83). جفرسون، ونت و کتز نستین هم هنجار را این گونه تعریف می‌کنند: هنجارها در مرحله اول هویت‌ها را می‌سازند. هنجارها، رفتار این هویت‌های ساخته شده را تنظیم می‌کنند و تعیین‌کننده انتظاراتی هستند که از هویت‌ها می‌رود برای این که در شرایط مختلف چگونه رفتار کنند (Jepperson, Wendt and Katzenstein, 1996: 54).

استفن کراسنر از نظریه پردازان رهیافت رژیم‌های بین‌المللی هم هنجارها را استانداردهای رفتار می‌داند که به صورت حقوق و تکالیف تعریف می‌شوند (Krasner, 1982: 186). همان گونه که از این تعریف بر می‌آید، او بر خلاف سازه‌انگاران در تعریف خود مفهوم، هویت را وارد نمی‌سازد، تأثیر هنجارها را بر شکل‌گیری هویت مطرح نمی‌کند و تنها به ارائه تعریف محدودی از هنجار مبادرت می‌ورزد که وجه مشخصه آن تأثیرگذاری بر رفتار کنشگران است. وی در تعریف قواعد می‌گوید قواعد مبین رهنمودهای خاص یا ممنوعیت‌های خاص رفتار کنشگران است که به تعریف هنجار بسیار نزدیک به نظر می‌رسد (Krasner, 1982: 186).

۱. NORM

۲. RULE

۳. PRINCIPLE

۴. PROCEDURE

اونف نیز قواعد را دارای مفهومی گسترده‌تر از هنجارها دانسته و همه قواعد را هنجار می‌داند، اما به نظر او همه هنجارها، قاعده نیستند. در دیدگاه اونف هم قواعد و هم هنجارها ابزار حفظ نظم اجتماعی برآورد می‌شوند (Onuf, 1989: 10).

در واقع افراد یا دولت‌هایی که به یک گروه معین تعلق دارند یا به تعبیری دارای یک هویت مشخص هستند، به مجموعه‌ای از اصول یا قواعد رفتاری یا رویه‌ها پایبند هستند. یک هنجار زمانی ایجاد می‌شود که هر عضو همان گروه یا دخیل در هویت مشترک انتظار داشته باشد دیگر اعضای گروه مطابق با همان قواعد مشترک میان اعضاء رفتار کنند. نکته مهم این که این اصول و قواعد رفتاری در میان اعضای یک گروه عام و همیشگی نبوده و ممکن است بر اساس شرایط، محیط و بستر سیاسی- اجتماعی متفاوت دچار تعدیل و یا تغییر شوند (Hund, 2001: 3-4). اگر قرار باشد نهادی جامعه‌امینیتی محسوب شود، اعضای آن باید به هنجارهای مشترکی در میان خود پایبند باشند که این هنجارها مبنای رفتار اعضاء در برابر یکدیگر قرار می‌گیرد و تجلی هویت جمعی در میان اعضاء است (Hund, 2001:26).

یکی از موضوع‌های مهمی که در رهیافت سازه‌انگاری برای طراحی نهادی مطرح می‌شود، اصل «منطق تناسب»^۱ است. اگرچه بر اساس دیدگاه خردگرایی (جریان اصلی روابط بین الملل)، معمولاً اولین گام برای طراحی نهادی حاکم بودن «منطق پیامد»^۲ است؛ بدین معنا که بر اساس نظریه انتخاب عقلانی کنشگران زمانی به ایجاد نهادها روی می‌آورند که تشکیل این نهادها برای آنها سودمند بوده و کارکردی مثبت را برای آنها به دنبال داشته باشد. اما سازه‌انگاران بر این باورند که می‌توان از اصل «منطق تناسب» نیز استفاده کرد. بر اساس این اصل، به جای تأکید صرف بر هزینه‌ها و منافع، بر آنچه که به لحاظ هنجاری مناسب است تأکید می‌شود. بر اساس منطق تناسب هنجاری که ناشی از درونی شدن هنجارها است، کنشگران هنجارها را بخشی از هویت خود می‌سازند و این هویت، منافع جمعی آنها را ایجاد می‌کند (Wendt, 2001: 1023-1024).

هنجارهای آسه‌آن به‌عنوان ویژگی مهم یک جامعه‌امینیتی، در نتیجه روابط میان اعضاء در مقاطع زمانی مختلف شکل گرفته و مبنای رفتار دولت‌های منطقه در

۱. LOGIC OF APPROPRIATENESS

۲. LOGIC OF CONSEQUENT

مورد خود و دیگران قرار گرفته است. نهاد آسه‌آن به‌عنوان جامعه‌ای امنیتی دارای هنجارهای خاص خود است که از آن به‌عنوان «راه آسه‌آن»^۱ یا «فرآیند آسه‌آن»^۲ یاد می‌شود. آن‌ها هنجارهایی هستند که تاکنون مبنای تحکیم و تداوم آسه‌آن بوده و هنجارهای دیگری نتوانسته‌اند جایگزین آن‌ها شوند. این هنجارها با تعریفی که دویچ درباره رویه‌ها در جامعه امنیتی کثرت‌گرا ارائه می‌کند، مطابقت دارد. اگرچه دویچ در تعریف خود از جامعه امنیتی کثرت‌گرا به‌صورت مشخص به هنجارها اشاره نمی‌کند. به نظر او در نتیجه تعاملات، مبادلات و ارتباطات میان افراد و در سطح گسترده‌تر دولت‌ها، رویه‌هایی ایجاد می‌شود و در نهایت یک جامعه امنیتی کثرت‌گرا در میان آنها شکل می‌گیرد.

همگرایی میان اعضای آسه‌آن بر اساس رویکرد هنجاری

با استفاده از مبانی نظری یاد شده در مورد آسه‌آن می‌توان گفت اگرچه شکل‌گیری آسه‌آن بر اساس منطق نتایج بود، یعنی دولت‌های منطقه به‌خاطر برقراری صلح و آرامش و افزایش تعاملات همکاری‌جویانه در حوزه‌های مختلف، بر اساس منطق پیامد این سازمان را تشکیل دادند، اما تداوم و گسترش آن و به تعبیری تحقق همگرایی در آن بر اساس منطق تناسب، مبتنی بر هنجارها و درونی‌شدن آن‌ها در میان اعضاء در فرآیندی از یادگیری اجتماعی پیچیده بود. در ادامه به مهمترین هنجارهای تشکیل‌دهنده «راه آسه‌آن» که سبب شکل‌گیری هویت مشترک و همگرایی میان اعضاء شده اشاره می‌شود.

هنجارهای تأسیسی^۳ (رفتاری)

هنجارهایی در آسه‌آن وجود دارد که هنجار رفتاری تلقی می‌شوند، به این معنا که نمایانگر قواعد رفتاری حاکم بر روابط اعضای آن با یکدیگر و نیز روابط اعضای این نهاد با دیگر دولت‌ها هستند. این هنجارها، هنجارهای نظام معنایی بین‌المللی^۴ هستند که از سوی کشورهای تازه‌استقلال یافته آسه‌آن نیز مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این هنجارها به شکل جدی، مشخص و جامعی در «پیمان همکاری و دوستی اعضای آسه‌آن» که در سال ۱۹۷۶ به امضای اعضاء رسید، آمده است. این هنجارها پس از حدود یک دهه تعامل در میان اعضای آسه‌آن مورد تأکید و پذیرش قرار گرفت و مهمترین آنها عبارتند از:

۱. ASEAN WAY

۲. ASEAN PROCESS

۳. BEHAVIORAL (CONSTITUTIVE NORMS)

۴. هنجارهایی که مورد پذیرش دولت‌ها، به‌عنوان اعضای اصلی جامعه بین‌المللی قرار گرفته است

الف. مداخله نکردن در امور داخلی یکدیگر،

ب. متوسل نشدن به زور،

ج. احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها،

د. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

(Hund,2001:12;Acharya,1992:11;2001:47-48;1998:328;Sopie e,1986:229;Kraft,2000:462;Batabya,2000:355;Busse, 1999: 47).

این هنجارها به‌ویژه هنجار مداخله نکردن در امور داخلی یکدیگر، عامل اصلی حفظ انسجام و حتی گسترش آسه‌آن بوده است. بنابراین، بر اساس «منطق تناسب هنجاری» می‌توان گفت این هنجارهای نظام معنایی بین‌المللی، از سوی اعضای آسه‌آن مناسب تشخیص داده شد و علاوه بر این که مبنای رفتار آنها قرار گرفت، در میان آنها درونی نیز شد.

از جنبه‌ای دیگر می‌توان گفت بر اساس دیدگاه ونت در مورد حاکم بودن سه نوع فرهنگ هابزی، لاکي و کانتی در نظام آنارشیک بین‌المللی، اگرچه هنجارهایی مانند هنجار احترام به حاکمیت و مداخله نکردن در امور داخلی دیگر کشورها، از هنجارهای حاکم بر منطق رقابت لاکي است، اما هنجارهای متوسل نشدن به زور و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف ها هم در شمار هنجارهای حاکم بر فرهنگ کانتی هست (ونت، ۱۳۸۴: ۴۳۸-۴۰۸). بنابراین می‌توان گفت هنجارهای رفتاری مورد پذیرش در راه آسه‌آن، ترکیبی از هنجارهای حاکم بر فرهنگ لاکي (مبتنی بر منطق رقابت) و فرهنگ کانتی (مبتنی بر منطق دوستی) در میان اعضا است. اگرچه در «اعلامیه بانکوک» که سند تأسیس آسه‌آن است، بر هنجارهای حاکم بر فرهنگ لاکي تأکید شده، اما در ادامه و در نتیجه تعامل اعضا و شناخت بیشتر از یکدیگر، کم‌کم هنجارهای حاکم بر منطق کانتی نیز در هنجارهای رفتاری حاکم بر روابط اعضا با یکدیگر وارد شده و مورد تأکید و پذیرش اعضا قرار گرفته است. اما این هنجارها تنها هنجارهای راه آسه‌آن نیستند، زیرا همان هنجارهای حاکم بر نظام معنایی بین‌المللی است. آنچه که سبب منحصربه‌فرد شدن راه آسه‌آن به‌عنوان اصل راهنمای هنجاری میان اعضا و شکل‌گیری هویت مشترک در میان آنها شده، هنجارهای رویه‌ای است (Goh, 2003: 114).

هنجارهای رویه‌ای^۱

این دسته از هنجارها در درون آسه‌آن، به چگونگی مدیریت منازعه‌ها و اختلاف‌های دولت‌های عضو آسه‌آن اشاره دارد (Busse, 1999: 47; Goh, 2003: 114). این هنجارها ویژه آسه‌آن و متفاوت از رأی‌گیری بر پایه اکثریت آراء، روش‌ها و رویه‌های تصمیم‌گیری قانونی در گفت و گوهای چندجانبه غربی است. این هنجارها مبین فرآیند تصمیم‌گیری در آسه‌آن و نشان‌دهنده دو مؤلفه اجماع^۲ و مشاوره^۳ است. غیررسمی بودن، اجماع‌سازی و چانه‌زنی بدون رویارویی از ویژگی‌های مهم تصمیم‌گیری در آسه‌آن است که در قالب دو هنجار اجماع و مشاوره آشکار می‌شود. حل اختلاف‌های اعضاء را در پی دارد (Acharya, 2000: 56-69; Path-hmanathau, 1978: 20; Narine, 1997:946; Kurus, 1995: 405; Haas, 1990:179). این دو هنجار بازتاب روش تصمیم‌گیری سنتی دموکراتیک در جوامع جنوب شرق آسیا به‌ویژه در روستاها و دهکده‌های مالزی و اندونزی است که در نتیجه گفت و گو، نشست‌ها و مشاوره‌های طرفین (مشاوره)، بر اساس اجماع تصمیم گرفته می‌شود و مطابق با اجماع، همه اعضاء از موقعیت برابر برخوردار هستند. هر یک از طرفین خود را به نتایج پس از اجماع متعهد می‌کند. این روش، ابزار مفیدی برای اعتمادسازی میان اعضاء محسوب می‌شود (Hund, 2001: 19; Acharya, 1992: 11).

در واقع در آسه‌آن هیچ‌گونه رأی‌گیری نهادی و هیچ حق وتویی وجود ندارد و تصمیم‌ها معمولاً پس از گفتگوهای اعضاء بر اساس اجماع گرفته می‌شود. این هنجارها، هم محصول فرآیند تعامل میان دولت‌ها در طول دهه‌ها است و هم سبب تشکیل نشست‌های متعدد و بیشتر تعاملات چندجانبه و متناوب شده است. به بیان دیگر سبب توسعه «فرهنگ نهادی» و گسترش ارتباطات نهادینه شده در میان اعضاء می‌شود و به آسه‌آن کمک می‌کند از ایجاد منازعات و اختلافات میان اعضاء جلوگیری کند (Batabyal, 2000 : 356; Leifer, 1997). به نظر هاک، می‌توان سه مفهوم متفاوت را از این دسته از هنجارهای آسه‌آن ارائه کرد. نخست با دیدگاه ابزاری می‌توان گفت این هنجارها، ابزاری برای مدیریت منازعات و اعتمادسازی

۱. PROCEDURAL NORMS

۲. CONSENSUS (MUAFAKAT)

۳. CONSULTATION (MUSHAWARAH)

میان اعضای آسه‌آن به شمار می‌آیند. دوم آن که یک روش تصمیم‌گیری است که بر دو اصل اجماع و مشاوره بنا شده است و بالاخره این که این هنجارها به همراه هنجارهای تأسیسی (رفتاری)، مبنای فرآیند هویت‌سازی دولت‌های عضو برآورد می‌شود (Haacke, 2003: 58-59; Acharya, 2001: 28).

بر اساس رهیافت سازه‌انگارانه افرادی مانند آمیتاو آچاریا، اعضای آسه‌آن سعی کرده‌اند، در ایجاد راه آسه‌آن بر اساس تلفیقی از درونی‌کردن و محلی‌کردن رفتار کنند. یعنی علاوه بر پذیرش و درونی‌کردن هنجارهای نظام بین‌الملل به‌عنوان هنجارهای رفتاری خود، تلاش کرده‌اند تا این هنجارها را با رویه‌ها، هنجارها و اصول رفتاری محلی خود، یعنی مشاوره و اجماع پیوند داده و مجموعه‌ای از اصول هنجاری را تحت عنوان راه آسه‌آن پذیرفته و درونی کنند (Acharya, 2004: 241). در واقع این دولت‌ها با رد رأی‌گیری به شیوه اکثریت و با تأکید بر مشاوره و گفتگوهای غیر رسمی میان اعضاء، تلاش کرده‌اند در زمینه هنجارهای رویه‌ای خود، متفاوت از غربی‌ها عمل کرده و به یک معنا محلی عمل کنند. با توجه به آنچه که در مورد هنجارهای آسه‌آن اشاره شد، می‌توان گفت هنجارهای آسه‌آن ترکیبی از هنجارهای سنتی اجتماعی - فرهنگی جوامع جنوب شرق آسیا و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی است. اما تنها بیان هنجارهای یاد شده، نمی‌تواند نشان دهد در میان دولت‌های عضو آسه‌آن، هویت مشترک وجود دارد. آنچه می‌تواند زمینه و بستری مناسب را برای شکل‌گیری هویت مشترک در میان اعضاء فراهم آورد، درونی شدن این هنجارها در میان اعضاء است (Wendt, 2001: 1025).

تحقق نیافتن همگرایی در میان اعضای اکو بر اساس رویکرد هنجاری همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، فرضیه این مقاله آن است که دولت‌های عضو آسه‌آن بر اساس منطق تناسب هنجاری توانسته‌اند هنجارهای موسوم به «راه آسه‌آن» را در میان خود درونی کنند و به همگرایی در قالب هویتی مشترک دست یابند، در حالی که دولت‌های عضو اکو از چنین بستر هنجاری مشترک برای رسیدن به همگرایی در قالب هویت مشترک برخوردار نیستند. مهمترین موانع شکل‌گیری بستر هنجاری مشترک در میان اعضای اکو به شرح زیر است:

۱. عامل ادراکی: در مقایسه با اعضای سازمان‌هایی مانند شورای همکاری خلیج (فارس)، اتحادیه اروپا و آسه‌آن، کشورهای عضو اکو خود را به یک منطقه خاص

جغرافیایی متعلق نمی‌دانند. برای نمونه ترکیه بیش از آن که به ارتباط آسیایی خود اهمیت بدهد، در پی پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. پذیرش ترکیه در فهرست انتظار ورود به اروپا، کم‌توجهی آن را به اکو تشدید کرده است. پاکستان نیز در اساس از نظر جغرافیایی و فرهنگی بیشتر متمایل به حوزه شبه‌قاره هند است. در این میان بین کشورهای ایران، افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان (کشورهایی که بیشتر در حوزه تمدنی ایران بوده‌اند) از نظر جغرافیایی و فرهنگی - تاریخی پیوستاری بیشتری مشاهده می‌شود (کولایی، ۱۳۷۹: ۲۶۲-۲۵۷؛ مستقیمی و قوام ملکی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

در همین زمینه باید گفت داشتن شخصیت حقوقی مستقل از دولت‌های عضو برای یک سازمان تضمین‌کننده اعتبار آن است. در این صورت است که تصمیم‌های برای آن دولت‌های عضو الزام‌آور می‌شود. اما اکو از چنین ویژگی برخوردار نیست. عضویت یا گرایش به سازمان رقیب، یکی از دلایل مؤثر بر ضعف انسجام سازمانی اکو است (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). از نظر امنیتی - نظامی، اعضای اکو در اساس نگاهی برون‌گرایانه داشته‌اند و ائتلاف‌ها و اتحادهای نظامی آنها بیشتر با قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای بوده و یا در چارچوب همکاری‌های جانبه محدود مانده است. در منطقه اکو پیمان‌های متعدد امنیتی وجود دارد. در چارچوب جامعه کشورهای مستقل همسود، بازماندگان اتحاد شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز با روسیه پیمان‌های امنیتی و نظامی متعدد امضاء کرده‌اند. پیمان امنیت دسته‌جمعی تاشکند (۱۹۹۲) مقوم پیوند امنیتی روسیه با این جمهوری‌ها است. قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان همراه با چین و روسیه در سال ۲۰۰۱ اقدام به تأسیس سازمان همکاری شانگهای کردند (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۶). روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان اعضای اصلی این سازمان و ایران و پاکستان اعضای ناظر هستند. تمایل آذربایجان به عضویت در نهادهای اروپایی مانند شورای همکاری و امنیت اروپا، هم نمایانگر نگرش ضعیف آن به اکو است. در واقع کشورهای اکو هنوز در اراده خود برای کارآمدسازی اکو و اعلام وفاداری حداکثری به هنجارهای آن تردید دارند.

همچنین ترکیه عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز علاوه بر عضویت در سازمان امنیت و همکاری در اروپا، در

چارچوب طرح‌هایی مانند برنامه «مشارکت برای صلح»^۱ با ناتو همکاری می‌کنند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران به شدت با گسترش ناتو به شرق مخالف است و این مسئله را مصداق تهدید امنیتی برای خود تلقی می‌کند (مستقیمی و قوام ملکی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). بنابراین از لحاظ ادراکی - امنیتی هنوز سازوکار امنیت درون منطقه‌ای مانند آسه‌آن در میان اعضای اکو فراهم نشده است. در مقابل در منطقه آسه‌آن سازمان رقیب مطرح وجود ندارد و آسه‌آن به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل، همکاری این منطقه را با جهان گسترش داده است. به این دلیل نهادهای مکملی مانند سازمان همکاری آسیا-اروپا (آسم)، آسیا-پاسیفیک (آپک) و آسه‌آن ۳+ ایجاد شده است. جهت‌گیری‌های واحد این کشورها در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله اعلام منطقه آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های اتمی، اتخاذ مواضع مشترک در دیگر مسائل سیاسی سازمان ملل متحد، قرار گرفتن در گروه غیر متعهدها و تلاش برای حل مسالمت‌آمیز مسائل سیاسی نشانه‌های انسجام سازمانی آسه‌آن است. به عبارت دیگر اعضای آسه‌آن پذیرفته‌اند این نهاد دارای شخصیت مستقل است و صلاحیت برقراری رابطه با سایر نهادهای بین‌المللی را دارد. در منطقه آسه‌آن سازمان رقیب برای اعلان وفاداری اعضاء وجود ندارد (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۷؛ ۱۳۸۸: ۲۸۵).

۲. نبود انسجام سیاسی کشورهای عضو اکو: ده کشور عضو اکو نظام‌های سیاسی متفاوتی دارند. افغانستان در حال حاضر دارای حکومت جمهوری اسلامی است، اما با حضور نیروهای خارجی در این کشور، دچار مشکلات جدی سیاسی و امنیتی است. در پاکستان حکومت جمهوری اسلامی برپاست، اما نظامیان همواره در این کشور با کودتاهای مکرر حاکمیت داشته‌اند. هرچند از سال ۲۰۰۸ دموکراسی به پاکستان بازگشته، اما نظام سیاسی آن با توجه به فعالیت‌های گسترده تندروها و عناصر قبیله‌ای و منطقه‌ای به شدت شکننده است. ایران دارای نظام جمهوری اسلامی است، اما با داشتن نظام ولایت فقیه در میان اعضای اکو دارای وضعیتی منحصر به فرد است. در ترکیه یک نظام دموکراسی به شیوه غربی استوار شده، ولی به قدرت رسیدن «حزب عدالت و توسعه» تعدیل‌هایی را در گرایش‌های افراطی غیردینی ایجاد کرده است. در کشورهای آسیای مرکزی نیز پس از هفتاد سال نظام‌های بدون انتخابات

۱. طرح مشارکت برای صلح که در نشست سران ناتو در دهم و یازدهم ژانویه ۱۹۹۳ بنا گذاشته شد، طرحی بود جهت ترغیب کشورهای غیر عضو در ناتو برای توسعه همکاری‌های سامانه‌ای و دفاعی. این طرح به صورت قرارداد دوجانبه بین ناتو و هر کدام از کشورهای غیر عضو که علاقه مند به همکاری با ناتو بودند در چارچوب برنامه مشارکت جداگانه اجرا شد. ابتدا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به استثنای تاجیکستان به عضویت آن درآمدند.

آزاد، جمهوری‌های لائیک برپا شده است. با اندکی توجه مشاهده می‌شود که این حکومت‌ها فقط نام جمهوری دارند. با گذشت حدود دو دهه از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، هنوز اقتدارگرایی در این کشورها تداوم دارد. به دلیل نبود انسجام سیاسی در اعضای آکو، این سازمان هیچ گرایشی به فعالیت‌های سیاسی نشان نمی‌دهد.

در مقابل، اگرچه از لحاظ سیاسی در آسه‌آن، کشورهای دارای نظام دموکراسی، پادشاهی، دولت‌های کمونیستی و حکومت نظامیان وجود دارند؛ اما با وجود تفاوت ظاهری در نظام‌های حکومتی، در سیستم سیاسی کشورهای عضو این اتحادیه شباهت نسبی دیده می‌شود. در کشورهای اندونزی، سنگاپور و فیلیپین دموکراسی، در مالزی نظام پادشاهی مشروطه با نهادهای لیبرال دموکراسی، در کامبوج پادشاهی با وفاداری به دموکراسی و سیستم چندحزبی، در تایلند و برونئی حکومت پادشاهی مشروطه دارای نظام پارلمانی، در جهت کاهش اختیارات پادشاه و سپردن قدرت به دست نهادهای دموکراتیک، نمایانگر تشابه نسبی در نظام حکومتی کشورهای آسیای جنوب شرقی است (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). همین انسجام نسبی سیاسی در میان اعضای آسه‌آن به این سازمان اجازه داده است که توافقاتی مهم سیاسی زیر را به امضاء رسانده و آنها را به اجرا بگذارد:

- اعلامیه ۱۹۶۷ بانکوک برای تأسیس سازمان،
- پیمان دوستی بالی ۱۹۷۶،
- اعلامیه زوپفن ۱۹۷۱ کوالالامپور در مورد اعلام آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی،
- پیمان بانکوک در ۱۹۹۷ برای اعلام منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای،
- تدوین چشم‌انداز ۲۰۲۰ آسه‌آن در کوالالامپور در سال ۱۹۹۷،
- توافقنامه بالی دوم در ۲۰۰۲.

در حالی که مهمترین موافقتنامه‌های امضا شده در آکو، اقتصادی، فنی، اجتماعی-فرهنگی و نه سیاسی بوده که عبارتند از: عهدنامه از میر (۱۹۷۷)، عهدنامه اصلاح شده از میر (۱۹۹۶ و ۱۹۹۲)، طرح عمل کویته (۱۹۹۳) دورنمای بلندمدت آکو (بیانیه استانبول) (۱۹۹۳)، موافقتنامه تسهیل صدور روادید (۱۹۹۵)، طرح کلی آلماتی (۱۹۹۶)، موافقتنامه تجاری آکو (اکوتا) (۲۰۰۳)، سند چشم‌انداز آکو ۲۰۱۵ (۲۰۰۵) (کولایی و مؤدب، ۱۳۸۸؛ آکو، ۱۳۷۷). تنها در سند چشم‌انداز آکو ۲۰۱۵ بخشی به کنترل مواد مخدر،

مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته اختصاص یافته است. بر اساس الگوی کلی مراحل همگرایی منطقه‌ای، اکو فعلاً در مرحله اول (منطقه تعرفه ترجیحی) قرار دارد، ولی استراتژی کلی را بر اساس سند چشم‌انداز اکو ۲۰۱۵ برای خود تعریف کرده است که بر پایه آن قرار است به مراحل بالاتر همگرایی برسد (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

۳. نبود زیرساخت‌های اقتصادی جهت همگرایی: منطقه اکو با رشد اقتصادی بالا، بازارهای وسیع و رو به گسترش و منابع طبیعی غنی، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی دارد. اما موفقیت در این مسیر بستگی تام به گسترش همکاری در میان کشورهای منطقه در حوزه اقتصادی دارد. با بررسی شاخص‌های اقتصادی می‌توان برخی موانع و دشواری‌ها بر سر راه همگرایی کشورهای عضو اکو برشمرد که مهمترین آنها عبارتند از: تفاوت‌های نظام‌های اقتصادی، گرایش به حوزه‌های اقتصادی رقیب، پایین بودن تجارت درون منطقه‌ای، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای (مستقیمی و قوام‌ملکی، ۱۳۸۷؛ کولایی، ۱۳۷۹؛ کولایی و مؤدب، ۱۳۸۸). در حالی که در آسه‌آن تحقق همگرایی در بعد اقتصادی در قالب افتا (منطقه آزاد تجاری آسه‌آن) رخ داده است، نسبت تجارت درون منطقه‌ای در آسه‌آن چهار برابر منطقه اکو است. نظام‌های اقتصادی اعضای آن مشابه و اقتصاد کشورهای عضو مکمل یکدیگرند، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه قابل توجه بوده و حدود ۳/۵ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی در جهان را تا سال ۲۰۰۵ برای خود ثبت کرده است (امیدی، ۱۳۸۸: ۹۹، سازمند، ۱۳۸۸: فصل دوم).

بنابراین موانع یاد شده در سازمان اکو سبب شده‌اند تا اعضای این سازمان، مانند اعضای آسه‌آن در پی طراحی نهادی مبتنی بر منطق تناسب هنجاری در درون آن نباشند و تحقق هویتی مشترک در میان اعضای اکو بسیار دشوار به نظر برسد. در واقع نبود هنجارهای رویه‌ای مشترک در میان اعضای اکو از یک سو و صرف احترام به هنجارهای مبتنی بر فرهنگ لاکه از سوی دیگر سبب شده است، اکو تا رسیدن به جامعه امنیتی فاصله بسیار زیادی داشته و همچنان فرهنگ رقابتی لاکه به جای فرهنگ دوستی‌کانتی در میان اعضای آن سیطره داشته باشد.

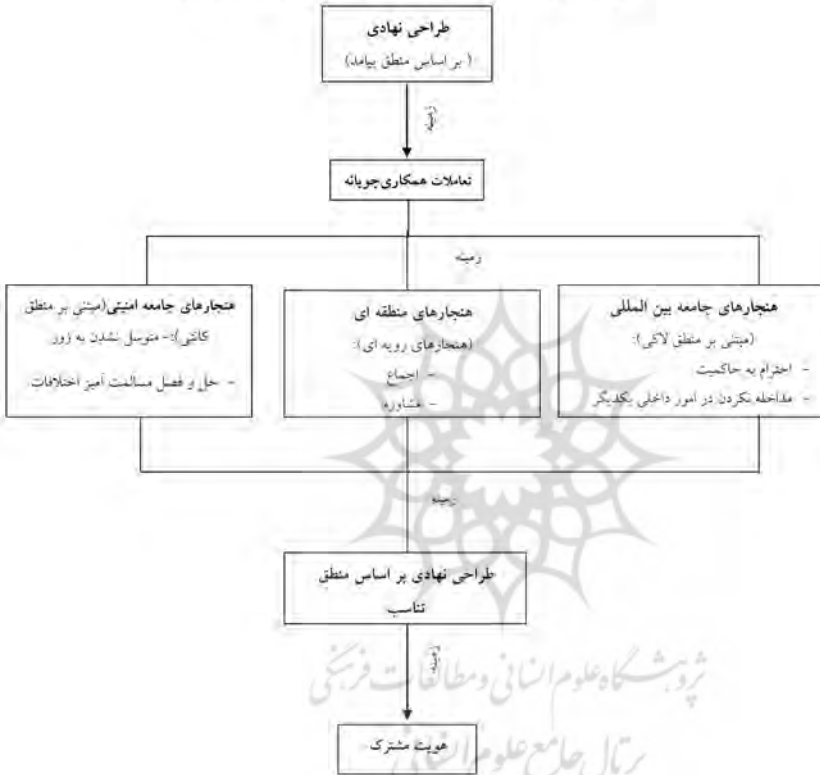
نتیجه‌گیری

اگرچه در مورد همگرایی منطقه‌ای در قالب نهاد آسه‌آن در منطقه آسیای جنوب شرقی آثار زیادی به شکل کتاب، مقاله و نقد به زبان انگلیسی منتشر شده است، اما

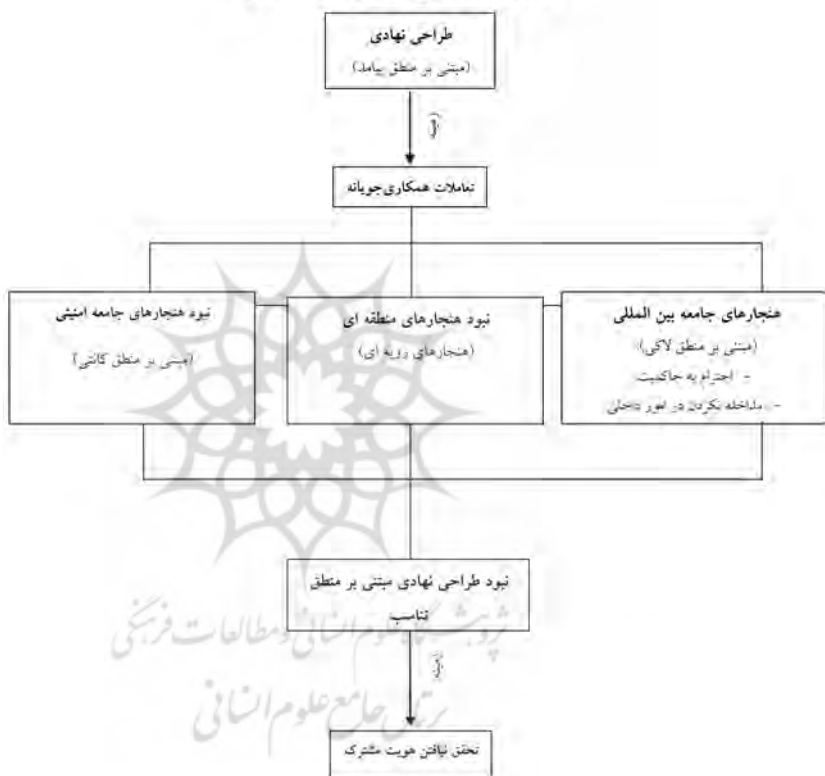
در مورد آکو در منطقه آسیای جنوب غربی آثار زیادی به زبان انگلیسی منتشر نشده است. بنابراین نویسندگان این مقاله تلاش کردند در قالب رویکردی تحلیلی، موضوع همگرایی منطقه‌ای در آسیا را در قالب این دو نهاد منطقه‌ای به گونه‌ای مقایسه‌ای بررسی کنند. پیش از این به موانع همگرایی منطقه‌ای در آکو بیشتر از دیدگاه اقتصادی و سیاسی پرداخته شده است، اما در این نوشتار، از منظر هنجاری و سازه‌انگاران این دو نهاد بررسی شده اند. در این مقاله تلاش شد تحقق همگرایی منطقه‌ای در آسه‌آن و تحقق نیافتن آن در آکو، از دیدگاه هنجاری و به بیان دقیق‌تر سازه‌انگاران بررسی شود. نتیجه این است که مجموعه هنجارهایی در قالب «راه آسه‌آن» در میان اعضای آن درونی شده و سبب شکل‌گیری هویتی مشترک در میان اعضای آسه‌آن شده است. در حالی که در میان اعضای آکو چنین بستر نهادی برای شکل‌گیری هویت مشترک در میان اعضا وجود ندارد، زیرا عواملی در روابط میان اعضای آکو وجود دارد که از شکل‌گیری چنین بستر نهادی جلوگیری کرده است. مهمترین این عوامل عبارتند از عامل ادراکی، عامل سیاسی و نبود انسجام سیاسی کشورهای عضو. با این حال نمی‌توان نقش موانع اقتصادی را هم از نظر دور داشت. در واقع یکی از زمینه‌های درونی شدن هنجارهای تشکیل‌دهنده راه آسه‌آن در میان اعضا، تعاملات گسترده همکاری‌جویانه اعضا در حوزه‌های موضوعی مختلف بوده که به بستن موافقتنامه در آن حوزه‌ها و ترتیبات نهادی مناسب برای اجرای این توافقنامه‌ها در چارچوب آسه‌آن منجر شده است. در حالی که اعضای آکو اگرچه موافقتنامه‌هایی در اثر تعاملات همکاری‌جویانه بسته‌اند، اما، نخست در این موافقتنامه‌ها به موضوع هنجاری پرداخته نشده است و دوم بیشتر تعهدهای رسمی و به تعبیری روی کاغذ بوده است تا این که در واقع عملیاتی شده، همه اعضا به آنها پایبند باشند و اجرایی شده باشد. نمونه مهم آن تصویب نشدن «موافقتنامه اکوتا» توسط برخی از اعضای آکو است. همچنین تصویب و اجرای موافقتنامه‌ها و طرح‌های منطقه‌ای آکو روندی بسیار طولانی را طی می‌کند که بخشی از آن به ساختار کند تصمیم‌گیری در کشورهای عضو، به ویژه اعضای جدید و بخش دیگر به رقابت‌ها و اختلاف‌های سیاسی اعضای بنیان‌گذار مربوط می‌شود. سطح مشارکت پایین یا مشارکت نکردن برخی از اعضا در نشست‌های مختلف سازمان و مشکلات مربوط به تعویق برخی از جلسات تعیین شده سالانه، به دلیل نرسیدن به نصاب لازم را هم نباید از نظر دور

داشت. بالاخره این که نهادینگی اکو بسیار محدودتر از آسه آن است، در حالی که
تشکیلات و سازوکار نهادی آسه آن بسیار توسعه یافته تر و کارآمد است.
در پایان می توان تحقق همگرایی میان اعضای آسه آن از منظر هنجاری و تحقق

نمودار تحقق همگرایی در میان اعضای آسه آن از منظر هنجاری



نمودار نبود همگرایی در اکو از منظر هنجاری



نیافتن آن در میان اعضای اکو را به شکل نمودارهای زیر نشان داد:

فهرست منابع:

الف) فارسی

۱. امیدی، علی (۱۳۸۵) «تأثیر ژئوپلتیک در رخوت همگرایی در اکو و بالندگی آسه‌ان» فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۵۷.
۲. امیدی، علی (۱۳۸۸) منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه‌ان، سارک و اکو. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳. بروجردی، محمد (۱۳۸۰) اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌ان). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۴. خورشیدی، غلامحسین (۱۳۶۷) بازار مشترک اسلامی. تهران: امیرکبیر.
۵. سازمان همکاری اقتصادی (اکو) (۱۳۷۷) تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. سازمند، بهاره (۱۳۸۸) منطقه‌گرایی و هویت مشترک در جنوب شرقی آسیا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. شاهنده، بهزاد (۱۳۷۷). «آیا اتحادیه آسه‌ان می‌تواند آینده سازمان اکو باشد؟» فصلنامه خاورمیانه، شماره ۱۳، بهار، صص ۹۱-۱۱۲.
۸. شفیعی، نوذر (۱۳۸۵) «سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه‌گرایی در آسیا» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۵، صص ۴۵-۶۲.
۹. صفی‌نیا، پرویز (۱۳۵۳) همکاری عمران منطقه‌ای. تهران: دبیرخانه آر سی دی.
۱۰. کولایی الهه و محمد مؤدب (۱۳۸۸) سازمان همکاری اقتصادی (اکو): دستاوردها و چشم‌اندازها. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. کولایی، الهه (۱۳۷۹) اکو و همگرایی منطقه‌ای. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۲. مستقیمی، بهرام و حمیدرضا قوام‌ملکی (۱۳۸۷) «امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو» دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز، صص ۱۲۳-۱۴۲.
۱۳. واعظی، محمود (۱۳۸۵) «تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳، بهار، صص ۷-۳۲.
۱۴. ونت، الکساندر (۱۳۸۴) نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ب) انگلیسی

15. Acharya, Amitav (1992) "Regional Military - Security Cooperation in the Third World: A Conceptual Analysis of the Relevance and Limitations of ASEAN" Journal of Peace Research. Vol. 29, No.1, pp: 7-21.
16. Acharya, Amitav (1998) "Collective Identity and Conflict Management in Southeast Asia" in: Security Communities. Edited by Emanuel Adler and Michael Barnett. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Acharya, Amitav (2000) *The Quest for Identity: International Relations of Southeast Asia*. Singapore: Oxford University Press.

18. Acharya, Amitav (2001) **Constructing a Security Community in Southeast Asia: ASEAN and the Problems of Regional Order**. London and New York: Routledge.
19. Acharya, Amitav (2004) **"Terrorism and Security in Asia: Redefining Regional Order?"** Working Paper 113. Perth: Asia Research Centre, Murdoch University.
20. Batabyal, Anindya (2004) **"ASEAN Quest for Security: A Theoretical Explanation"** International Studies. Vol. 41, No. 4, pp: 350-365.
21. Busse, Nikolas (1999) **"Constructivism and Southeast Asian Security"** The Pacific Review. Vol. 12, No.1, pp: 39-60.
22. Checkel, Jeffrey T. (1999) **"Norms, Institutions and National Identity in Contemporary Europe"** International Studies Quarterly. Vol. 43, pp: 83-114.
23. Finnemore, Marth and Kathryn Sikkink (1998) **"International Norms Dynamics and Political Change"** International Organization. Vol. 52, No. 4, pp: 887-917.
24. Goh, Gillian (2003) **"The ASEAN Way: Non- Intervention and ASEAN's Role in Conflict"** Stanford Journal of East Asian Affairs" Vol. 3, No. 1, pp: 113-118.
25. Haacke, Jurgen (2003) **"ASEAN's Diplomatic and Security Culture: A Constructivist Assessment"** International Relations of the Asia- Pacific. Vol. 3, No.1, pp: 57-87.
26. Haas, Michael (1990) **"Asian Culture and International Relations"** in: Culture and International Relations Ed by Jonsuk Chay. New York: Praeger, pp: 172-190.
27. Hund, Markus (2001) **"The Development of ASEAN Norms between 1997 and 2000: A Paradigm Shift?"** Zops Occasional Papers Trier, April, pp: 1-71.
28. Jepperson, Poland L, Alexander Wendt and Peter J. Katzenstein **"Norms, Identity and Culture of National Security"** in: Peter Katzenstein (ed) The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics. New York: Columbia University Press, pp: 33-75 .
29. Katzenstein, Peter (1996) **"Introduction: Alternative Perspectives on National Security"** in: Peter Katzenstein (ed) The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics. New York: Columbia University Press, pp: 1-32.
30. Kraft, Herman Joseph S. (2000) **"ASEAN and Intra- ASEAN Relations: Weathering the Storm?"** The Pacific Review. Vol. 13, No. 3.pp: 453-472.
31. Krasner, Stephen D. (1982) **"Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables"** International Organization, Vol.36, no 2,pp: 186-205.
32. Kurus, Bilson (1995) **"The ASEAN Triad: National Interest, Consensus- Seeking and Economic Cooperation"** CSEA, No 16.
33. Leifer, Michael (1999) **"The ASEAN Peace Process: A Category Mistake"** Pacific Review, Vol. 12, No.1.pp: 25-38.
34. Narine, Shaun (1997) **"ASEAN and the Management of Regional Security"** 38th Annual International Studies Association Meeting, Toronto, Ontario, March 18-22, pp: 195-214.
35. Onuf, Nicholas and Frank F. Klink (1989) **"Anarchy, Authority, Rule"** International Studies Quarterly. Vol.33, no.2, pp: 149-173.
36. Pathmanathan, M. (1978) **The Pacific Settlement of Disputes in Regional Or-**

ganizations. Kualalumpur: University of Malaya.

37. Sopiee, Noordin (1986) **“ASEAN and Regional Security”** in: Mohammed Ayoob (ed) Regional Security in the Third World. London: Croom Helm.

38. Wendt, Alexander (2001) **“Driving with the Rearview Mirror: On the Rational Science of Institutional Design”** International Organization. Vol. 55, no. 4, pp: 1019-1049.

